

در بزرگداشت خلع ید از استعمار، روز کارگران ایران

هممیهنان، کارگران بیدار دل،

سردمداران جمهوری اسلامی در ریشه‌یابی انقلاب همواره کوشیده‌اند که بررسی‌های درستی از گذشته‌های دور و نزدیک ملی نشود تا خود را آغازگری استثنائی به شمار آورند؛ در حالی که این دگرگونی پیامد پیکارهای رهایی‌بخش ملت ایران برای براندازی سلطه‌ی بیگانه و خودی دست‌کم در یک‌صدساله‌ی گذشته بوده است. خیزش مشروطیت، جنبش ملی شدن صنعت نفت و، سرانجام، انقلاب - همه در راستای نگاهداشت میهن از گزند بیگانه و بازگشت به خویشتن خویش و برقراری مردم‌سالاری به امید برخورداری از آزادی و آبادی و شکوفایی فرهنگی بود که، با افسوس بسیار، در هر سه مورد، به‌رغم پیروزی‌های نخستین، به دسیسه‌های گوناگون برخورد و در ورطه‌ی ناکامی افتاد.

پس جای آن دارد که، در هر فرصت، روشنگری‌های شایسته به عمل آید تا دشمنان دژخوی این سرزمین خدایی بدانند گردونه‌ی تاریخ را نمی‌توان به عقب برگرداند و ایرانیان در پی هر افتری خیزی دوباره برمی‌دارند و هرگز از تکاپو برای برآوردن خواست‌های ملی خود باز نمی‌ایستند.

در جنبش ملی شدن صنعت نفت، برجسته‌ترین گام خلع ید از استعمار بود که، پس از آن، کارگران، کارمندان، و کارشناسان ایرانی به همگان نشان دادند، بی‌نیاز از کمک بیگانه، شایستگی و توانایی گردانندگی بزرگترین دستگاه‌های فنی جهان را دارند.

بیست‌ونهم خرداد یک‌هزار و سیصد و سی، روزی که مردم پس از سالیان دراز درماندگی بر روی پای خود ایستادند، نه تنها پایان یافتن بردگی اقتصادی و ره‌آورد‌های زشت سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی آن را نوید می‌داد، بلکه تیری شکافنده بود بر قلب اهرمن امیدباختگی در ایران‌زمین.

برای ملتی که زمامداران تبه‌کار و بیگانه‌پناه پیاپی در گوش آن نغمه‌ی شوم ناشایستگی می‌خواندند و دشمن را چون غولی شکست‌ناپذیر جلوه می‌دادند، چه چیز ارزنده‌تر از این بود تا با رهبری خردمندانه‌ی یکی از فرزندان خود، مصدق بزرگ، و اندک شمار رزم‌آوران روشن‌بین در مدتی کوتاه امپراتوری نیرومندی را به زانو درآورد و فریاد ستایش همه‌ی ستم‌کشیدگان را از چهار گوشه‌ی گیتی بشنود.

بی‌شک، در خلع ید از استعمار، همه‌ی مردم، از کشوری و لشکری، سهم داشتند؛ ولی، چون در این رویداد تاریخی برنده‌ترین نقش را اردوی کارگران بر عهده گرفتند و، در ده روز نخست به اجرا گذاردن قانون، به‌رغم رنج‌دیدگی‌های بسیار، شکیبایی و پویایی بی‌مانندی نشان دادند و سرانجام، در پگاه بیست‌ونهم خرداد، آنان بودند که واپسین نمادهای سلطه‌ی بیگانه را زدودند و درفش ایران را بر فراز همه‌ی نهادهای ملی‌شده‌ی صنعت نفت برافراشتند، افتخاری جاوید برای گروه اجتماعی خود پدید آوردند.

از این رو، در نخستین سالگرد این پیروزی، درست هنگامی که دکتر محمد مصدق، نخست‌وزیر، با هیئتی از بلندپایگان کشور برای دفاع از حق ملی در دیوان دآوری بین‌المللی در لاهه به‌سرمی‌برد، حزب ما روز بیست‌ونهم خرداد را به عنوان «روز کارگر» پیشنهاد و جشنی درخور برپا کرد.

این پیشنهاد در میان کارگران ایران، که افزون بر روز جهانی خواستار داشتن یک روز ملی به نام خود بودند، با خشنودی پذیرفته شد و مصدق بزرگ نیز بر آن صحنه گذارد و در دل تاریخ میهن نشست.

در پی کودتای بیست‌وهشت مرداد یکهزاروسیصدوسی‌ودو و بر باد رفتن بخش بزرگ دستاوردهای جنبش ملی کردن صنعت نفت، باز هم کارگران در ستیز با استبداد وابسته‌به‌استعمار در همه جا پیشگامی داشتند و، در انقلاب بیست‌ودوم بهمن یکهزاروسیصدوپنجاه‌وهفت، با کردارهای ایثارگرانه و اعتصاب‌های پیگیر، نقش نمایانی ایفا کردند. پس از آن پیروزی بزرگ انتظار می‌رفت، در راستای رسیدن به عدالت همگانی، که از هدف‌های بنیادین انقلاب بود، گام‌های استواری برداشته شود و کارگران به امتیازهای بایسته دست یابند. در آغازهای این ظفرمندی، اجرای برنامه‌هایی چون برقراری نوعی بیمه‌ی بیکاری، بالا بردن جهشی حداقل دستمزد، افزایش هنگام‌های تعطیل، جلوگیری از اخراج‌های بی‌رویه، و به پویایی درآوردن سندیکاها و اتحادیه‌ها از سوی نخستین وزیر کار انقلاب نوید زندگی بهتری را به این سازنده‌ترین گروه اجتماعی می‌داد؛ ولی خیلی زود واپس‌گرایان برکرسی‌قدرت‌نشسته، از لیبرال‌منش تا رادیکال‌مآب، به کردارهای ضدکارگری روی آوردند.

روند اقتصادی پیش‌گرفته‌شده با میدان دادن به سرمایه‌داری بی‌مهار چنان بود که پیوسته از شمار دست‌های تولیدکننده می‌کاست و بر خیل پادوهای سوداگر می‌افزود؛ و، در پی درهم‌شکستن امنیت شغلی، کارگران به‌گردش‌درآوردن‌های چرخ‌های سازندگی به ابزارهایی برای کسب درآمد ناچیز بدل گردیدند.

نبود برنامه‌های اشتغال‌زا و پرهیز از سرمایه‌گذاری در این زمینه نیروی انسانی روبه‌افزایش کشور را، که باید به کانون‌های کشاورزی و صنعتی گسیل گردد، در چنبر بیکاری پنهان و آشکار گرفتار کرد؛ و، از همه بدتر، در جو اختناق‌آمیز پدیدآمده، سندیکاها و اتحادیه‌ها برچیده شد و شوراهای ساختگی جای آن‌ها را گرفت و کارگران از داشتن سازمان‌های صنفی برای استیفای حقوق خود بی‌بهره ماندند.

در پنج‌ساله‌ی گذشته هم، که داعیه‌ی دوره‌ی جدید سازندگی با هدف کاستن نقش دولت در اقتصاد پیش کشیده شد، احتکار، رباخواری، و دلال‌بازی به اوج تازه‌ای رسید و همه‌گیر گردیدن گرسنگی، بی‌سرپناهی، و در دسترس نبودن بهداشت و درمان و دارو این گروه اجتماعی را با تنگناهای بیشتری روبه‌رو کرد؛ به‌ویژه که در چنین وضعی کارگران با بسته شدن یا به بخش خصوصی واگذار گردیدن بسیاری از مرکزهای صنعتی گروه‌هاگروه به دام بیکاری فروافتاده‌اند یا، با دستمزدی اندک، گرفتار گرانی سرسام‌آور هستند و روزگار تلخی را می‌گذرانند.

گرچه در سال کنونی روز خلع ید از استعمار، روز کارگران ایران، در برخورد هنگامی با تاسوعا قرار دارد و سوگواری همگانی جایی برای برگزاری آیین‌های ویژه نمی‌گذارد؛ ولی فرصتی است درخور تا به این گروه اجتماعی سازنده ضرورت همبستگی بیشتر برای بازیافت حق قانونی خود گوشزد گردد.

حزب ملت ایران در این روز غرورآفرین، ضمن درود بی‌پایان به همه‌ی قهرمانان خلع ید از استعمار، زنان و مردان کارگر را به بازسازی سندیکاها و اتحادیه‌های خود، که قربانی توطئه‌ی انحصارگران گردیده است، فرامی‌خواند تا، افزون بر به دست آوردن امتیازهای صنفی، باز هم جلودار دیگر گروه‌های اجتماعی برای برقراری مردم‌سالاری گردند.

دبیرخانه‌ی حزب ملت ایران